

و محال بود چه من قبل لم یغفر و المخلصون من بعد و چه دلم یغفروا فی  
 الامتیعاً علی السرائر بل یلتوا فلبوا در سخاوت نصر و ادوات و چه هم  
 من الاقرب المبین و هؤلاء احواء و امناة و اصغیانة فیکف یلین لغوس  
 انجذبت بفتحات قدسه و انقیست الانوار من شمسی جماله و استغاضت  
 من غمام جمعه فی یوم طوره و تجلی ششمه فی هذه النشأة الکبری فطوبی  
 للراسخین و طوبی للثابین و طوبی للمخلصین فی هذا الفرع

العظیم ع خ

هو الاقدس الاعظم المبین العظیم الجبر

جوهر محمد و سید ذج شایب اط قدس حضرت مجبور الاقرب و سزا است  
 لم یزل بمقدیس از اعلی وصف مکنات بوده و لا یرال منزه از اعمی ذکر  
 کلمات خواهد بود ذات مقدس متعالی است از عرفان عرفا و ادراک  
 علما و ما یتکلم به احسن الانشاء قد کان فی ازل الازال فیما کنوناً و کثراً فخرنا  
 ما عود احد و ما طلعت به نفیس که کذکث کان من قبل و یکون من بعد  
 هاله الا هو الباطن فی الشجرة المبارکة علی الطور المرقع فی البقعة المقدسة  
 الاعدیه الله انا الله لا اله الا انا مع انک السین خلایق از عمل لا اول و صغر  
 ما طق و بدایع او کار مشن متکلم نشده الله ما وصف و ما ذکر و ما نهت  
 چه که آنچه در ابداع تعقل شود و بتفکر آید خلق او بوده و خواهد بود تعالی

تعالی من ان یوصف بدونه و تعالی تعالی من ان ینبت بغيره او ینکر لواءه  
 و چون آن بحر قدم مسوره است داشت در شناخته شود خلق فرمود خلق  
 سموات وارض را بکلمه مبارکه اولیه از مشرق مشیت مالک احدیه اشرا  
 نسو مولد و اینکله در معامی کاف و نون ذکر شده و لکن نزد کاتبان  
 کونتر بیان ما فاصدان بین عرفان آنکله نفس ظهور بوده و خواهد بود و او  
 بذاته مقدس از ظهور و بروز و صعود و نزول و ذکر و بیان و عرفان و  
 شنود و عیان لاند که الابصار و هو اللطیف الجبر و ذکر گفته شود مشیت

ع

نفیس ظهور است و کلمه از او ظاهر شده حق لا یریب فیہ طوبی از برای  
 نفوسی است که آذان خود را از کلمات اجل عالم مقدس و پاک نموده اند  
 چه که آذان غیر مقدسه لایق اصماء کلمه الله بوده و نخواهد بود اچنانچه متاه  
 یشود و مکلم حکیم باسم اعظم ما بین امم با علی النداء میفرماید مع ذلک  
 نفوس از او مجتهد و از صلوات بیان الی محمد و لم آذان لا یموتون  
 حی و لهم قلوب لا یفقون ع و اینکله مبارکه اولیه بجمع اسماء حسنی  
 نامیده شده اوست صراط مستقیم و بناء عظیم و اوست مشرق اسرار الی  
 و مطلع وحی محمد آنکه و اوست عروة الوثقی و اقی اعلی و اوست ظهور الله بین  
 ما سواه و جمع آنچه خلق اصفا نموده اند و نیرفان و ادراک آن فائز کننده  
 اند از آن منبع حکمت ربانیه و مطلع علوم محمدانیه اخذ نموده اند چه اگر انظور

Question why  
 the word

d

هو عرک الابرار

Messed

ن

اولیه و کلمه جامعه اطمینه بتوحید ذات قدم و بحسب اعظم و عرفان او تکلم  
 منفسه بود احدی بمعرفت آن ذات مقدس و علت و سبب آفرینش  
 است فائز غیبه اوست باب اعظم و صراط اقوم و دره اوله و کلمه علیا  
 و سیده منقش و غایه نقوی لولاه ما عرف الله احد و ما اطلع به نفس و  
 جمع عرفان عارفین و ادراک محضین و ادکار مقربین و اوصاف  
 و اصغین با سیمفام راجع است چه که عرفان نفس ظهور عرفان الله  
 بوده و اداسر مشی و اداسر الله و بیان الله و کلمه اشش کلمه  
 الله من اعرض عنه فقد اعرض عن الله من قبل الله فقد اقبل الله  
 لا یقبل من احد علم ولا عمل الا بحبه و رضانه و امره و اراده اوست  
 مظهر یغیث مایه آء در ملکوت النساء و اوست مصداق ما انزل الله الرحمن  
 فی الفرقان یوم یاتئ ربک و بعض آیات ربک ما لئله الحق ان الصبح یضمر  
 و اللیل ادبر و هذا ذکر الله للبشر و هذا یوم فیشرق البصر و خف القمر  
 و لیس للانیان مقفروا ولا یستقر الا لمن تمسک بحبل الله مالک القدر  
 [و هذا یوم فیہ قام لتتر الروح و الملائکة صفا لا یتکلمون الا من اذن له  
 الرحمن] و هذا یوم یقول الکافر بالتبی کنت ترا با او این ظهور اعظم  
 اعلی و طلوع الطغ ابعی در هر عصر و عهد با سنی طامعه و اوست صراط  
 شمس حقیقت و ارفی عنایت اشراق منفسه مایه بطور او و کثر مخزون ظاهر

at Q  
 Esch  
 Falf  
 This

\*

طاهر یعنی ظهوره نفس ظهور الله است مابین عباد چه اکرا و ظاهر غیبه لیل  
 و لایزال آن کثر تکون بود و عرف و فانش را امدی استقام نمینود و  
 بتوحید ذات مقدس نفسی فائز نمیکشت با و استخار میفرماید جمیع  
 احصل ارض را قوله تعالی آلم احسب اننا نیس ان یرکوا ان یقولوا اننا  
 و هم لا یفتنون و اوست میران حق مابین مایس و با و حجاب جمیع  
 احصل ارض نمینود و اوست عین الله و اذن الله و لسان الله و مطهر  
 الله در هر حکام و عرف الله عالم ما معطر نمود و نسبه الله سرور کرد  
 و آقاب حقیقت از افق عنایت مشرق شد جمیع ماس بر اعراض و  
 اعراض قیام نمودند و کمال جد و جهد در اطعام نور الله کوشیدند چنان  
 در کتب مسطور است و اکثری دیده اند مگر نفوس سبک جشم از ماسوی الله  
 پوشیدند و بگویند عرفان رحمن توجه نمودند اتم عباد مکرمون و اتم  
 عباد مخلصون و اتم عباد حاضرین لایسبغونه بالقول و هم با سره  
 یعملون و معترضین و معترضین هر یک بحبل و می سمتک و از سلطان  
 سر بر یغیث الله مایه معرض بعضی بذکر نبوت از بناء اعظم مردم گشته  
 اند و بعضی بذکر ولایت از ولایه الله ممنوع مانده اند و ضربه بذکر الوحیت  
 از مطلع اسرار الهی محجوب گشته اند چنان مشاهده یگان امت نوره و انجیل  
 و بعضی از ملل صاحب کتابند بذکر نبوت و الوحیت و ما عندهم از سحر

\*

Alif, Lam  
 Meem

umant - i  
 MITT'S  
 TONH

جوان و فیوضات رحمن در مانده اند آنگه ان اکثر هم بسعون او  
 یقولون ان هم الا کا الانعام بل هم اضل سبیلاً العجب کل العجب من  
 الّذی قال ان من طرفه ادعی الالوهیة فی نفسه و بذلک کفر بالّله  
 المبین العیوب قل یا ایها الایکم اما سمعت نداء الله من الشجرة  
 لترتفع علی البقعة النوراء ان لا اله الا هو افکر و کن من الّذین یسعون  
 دلا یقولون قل کل الاسماء خلق فی ملکه و انّه سفدیس عتبا لو انتم  
 تعرفون کل الاسماء خلقی فی قبضة قدرته و کل الاسماء خلقت باسره  
 طوبی لمن یفکر فی صنع الله و یشتبهه یا شهید لذاته بذاته ان لا اله الا هو  
 المنقدر المتعال العزیز الوحدانی اقوم تفکر و فی کلمات الله غم الضعوفین  
 ظمیر باسحق و بدیع الممالک و المملوک الی الله رب ما کان و ما یکون دعوا  
 ما عندکم من الصور و الامثال و الطنون و الادیام و توجّوا بالقلوب الی  
 اسحق علام الغیوب یا الله لا یغیبکم زخارفکم و لا علوم علیکم و لا  
 عرفان عرفانکم دعوا ما عندکم و خدا ما او یتیم به من لدی الله مالک  
 الغیب و الشهم من سمع فیها و من لم یسمع فلیما انّه لغنی فازل  
 الّذال لیسجد بذلک کل الذرات لو انتم یسعون من کان لله کان  
 الله له و من اعز من لیس له نصیب من هذا الریح المحموم الکریم خلیفه  
 همی که طنجیه از افق سماء و لایت مطیقة اشراق نموده طیان ایضا

Thousands of Bahā has  
 chshel...  
 Divinity

Sināt Tree

\* O Female Ponder the  
 words of God

Claim of Divinity

Khutha - yi  
 Tutunjiyya

پارسی شرح شده چه که بیانات پارسیه باذن آتی از قلم حقیق  
 ظاهر گشته از اکثری معنی خلیفه مذکوره مستفاد میشود طوبی از برای  
 نفوسیکه با بصارت جدیده در کلمات منترله نظر نمایند و تفکر کنند البته  
 ایجا معارف الهیه در قصور کلمات جامعیه ربانیه معکفد بر سرآت طوبی  
 آن نفوسیس سخی نمایند و با آنچه مفقود است فائز گردند طوبی للتأطرن  
 طوبی للتقریرین و غنیاً للعاشرین و مقصوداً تخضرت روح ماسواه فداه  
 از ذکر خلیفه ایکنه مبارکه بوده در سبفر مایه فوقوا طور سیکم موسی من  
 الشجرة علی الطور و ایکنه بمنزله قطب است یه و در جولیا و ای الحکمة  
 و البسیان و با سیکه جمیع احسل عالم را بطهور الله بشارت داده  
 اند و اگر نفسی انعام را انکار نمایند و آذان غیر داعیه باصعای کلمات مالک  
 حکم میفرد شود و حال ظاهر آن طاق است و لکن اعین ضعیفه بر به  
 ادحام مبتلا گشته ادراک نماید و آذان غیر داعیه باصعای کلمات مالک  
 انام فائز نشود الیوم حکم موسی طاهره و بانه انا الله ما طق و در ذکر آن  
 معام بحیث بن زیاد سخن میفرد مایه \* اطف السراج ضد طلع الصبح  
 یعنی چراغ دهم و سسوال را او اموش کن تخنق ه جمع حضرت  
 طالع شده و این واضح و مبرهن است بعد از اشراق شمس حضرت  
 سسوال از او لغو بوده و مثل آن است بعد از اشراق آفتاب موسی

Quoted  
 Khutha - yi  
 Tutunjiyya

Claim to  
 Divinity  
 Bahā Zuhūr  
 of Moses

Translation

سؤال نماید آفتاب کجاست و این مقام بعد از موعود است  
 و کشف سبجات ظاهر شده و میشود و در این مقام است که میفرماید دلیل  
 آیانه و ظهوره اثباته و این است مقام موعود که در حدیث شریف  
 مذکور است و سوره این بیان قوله حق جل جلاله است که میفرماید قل  
 الله ثم ذم ذم خود ختم بعبود و اگر نفسی خالصاً لوجه الله در آنچه ذکر شده  
 نظر نماید و بطرف انصاف ناظر باشد از عالم و عالمیان فارغ شود و تمام  
 توجه با نور وجه الهی توجه نماید و آیات فراتیه و احادیث مأثوره در ذکر  
 این مقام بسیار است نظر با مختصر با نتیجه ارکانت رفت آنه لیمدی من  
 بشاء الا صراط مستقیم قوله تعالی الله الذی رفع السموات بصیر  
 عدو دنها ثم ایسنوی علی العرش و سخر الشمس والقمر کل بحجری  
 لاجل منی یدبر الامر لفیصل الآیات لعلم ببعاء ربکم بوقون شکل  
 نبوده و نیت در ذات قدم با وصف غیبت مقدس از ظهور و برود  
 بوده و احدی بان حاضر نشود مگر در ایام ظهور مظهر الهی و منبع علوم ربانیه  
 بر نفسی با و فائز شد ببعاء الله فائز شده و ایوم شمس حقیقت  
 در قطب رذال مشرق است و گوشر وصال جاری و بسیاری اسرار  
 از آن محسوس و لب تشنه در بنیه حلافت منجیر و سیر کردن مشابه  
 میشود و بعضی از بابیس از گوشه فان نیایش امید اند و از بحر

Tradition of Humayl

"He is He"

Quran

Meeting with God.

Not Essence

mazhar-

معانی غافل لغای الهی را که در آیه مبارکه مذکور است بلفظی تنجی او  
 در یوم قیامت تفسیر نموده اند و عالم بصیر مشاهده میشود که آنچه گفته اند  
 بوجهی صرف بوده چه که ابداً قیامت را ادراک ننموده اند و معنی  
 آنرا نیافته اند و قیامت قیام مظهر نفس الله است برابر او است  
 قائم و قیوم و همین بر آنچه در آسمانها و زمین است ای اصل  
 ارض برستی میگویم اسرودر از شبی نبوده و نیت اسرودر ز علن  
 خالص است و اسرودر روز مکاشفه و لغا است مجد نماید تا از فوضات  
 ناشایسته الهیه قیامت برید و نباشید از نفوسیکه میفرماید  
 بیرون نعمته الله ثم نیکر و عفا ایفید بدانید در غیب مکنون  
 ظاهر شده و غیثود مگر مظهر نفس ظهور چه اگر مظهر ظهور الهیه  
 مشارق وحی ربانیه از کثر خیزدن اجار نمیدانند احدی مطلع  
 بنود لیشهد بد لکت کل عارف ارتقی بمرقات الانصاف الی  
 ملکوت البسیان این بسی واضح است در این مظلوم منجون  
 اراده از خود ندانسته و نداند بلکه بمشیت الهی مطلق و با اراده  
 او متحرک و جمیع را بسج میخواند و مع بلا یای لایحی در زایای  
 کبری و ظلم ظالمین و غل مغفلین ممنوع نشده و بفضل الله  
 سزا به شد در کل اعیان اصل امکانها با فی اعلی دلالت

Meaning of the Meeting with God.

Qiyamat = Right manifest of self of God.

People of the earth.

This happened wronged one